

تأثیر تصویرسازی بر آموزش مبانی هنرهای تجسمی در مدارس

ابوذر فتاحیان فر^۱، سید محسن موسوی^۲، شیدا جلیل سرقلعه^۳، فائزه جلیل مصیر^۴،

زهرا جلیل ناغونی^۵

^۱ دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه خوارسگان اصفهان

^۲ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز لردگان

^۳ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز لردگان

^۴ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز لردگان

^۵ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز لردگان

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تصویرسازی بر آموزش مبانی هنرهای تجسمی در مدارس با اتکا به تحلیل کتاب "این تصویر" اثر مالی بنگ انجام شده است. هنرهای تجسمی به عنوان عالی‌ترین تجلیات زبان بصری شناخته می‌شوند که امکان درک عمیق‌تر پدیده‌های بصری و آثار هنری را فراهم می‌سازند. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی نظام‌مند منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد مالی بنگ در استفاده از فرم‌های ساده هندسی و تصویرسازی مبتنی بر برش کاغذ، می‌تواند درک مفاهیم پایه‌ای هنرهای تجسمی را برای دانش‌آموزان تسهیل نماید. این روش با تبدیل مفاهیم انتزاعی به نمونه‌های عینی و ملموس، نه تنها بر جذابیت فرآیند آموزش می‌افزاید، بلکه موجب تعمیق یادگیری و ارتقای سواد بصری فراگیران می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند چارچوب مناسبی برای بازنگری در شیوه‌های آموزش مبانی هنرهای تجسمی در نظام آموزشی ایران ارائه دهد.

کلمات کلیدی: تصویرسازی، آموزش هنر، مبانی هنرهای تجسمی، سواد بصری.

مقدمه

در عصر حاضر که تصویر به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای ارتباطی تبدیل شده است، پرورش سواد بصری به ضرورتی انکارناپذیر در نظام‌های آموزشی بدل گشته است. سواد بصری به معنای توانایی درک، تفسیر و خلق پیام‌های تصویری، پایه‌ای اساسی برای فهم جهان معاصر محسوب می‌شود (دونیس، ۱۳۶۸). در این میان، هنرهای تجسمی با ارائه زبانی فراتر از کلمات، امکان بیان مفاهیم پیچیده و انتزاعی را در قالبی ملموس و قابل درک فراهم می‌سازند.

آموزش مبانی هنرهای تجسمی به عنوان بنیان درک و خلق آثار هنری، همواره با چالش‌های متعددی روبرو بوده است. رویکردهای سنتی در آموزش این مفاهیم، اغلب به دلیل انتزاعی بودن و عدم ارتباط کافی با تجربیات عینی دانش‌آموزان، نتوانسته‌اند اثربخشی لازم را داشته باشند. این مسئله لزوم بازاندیشی در شیوه‌های آموزش و بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه را بیش از پیش آشکار ساخته است.

کتاب "این تصویر" اثر مالی بنگ با ارائه رویکردی نوین در آموزش مفاهیم پایه‌ای هنرهای تجسمی، الگویی بدیع در این زمینه ارائه داده است. بنگ در این اثر با استفاده از تصویرسازی‌های ساده و در عین حال عمیق، مفاهیم پیچیده بصری را به گونه‌ای ارائه می‌دهد که برای مخاطبان در سطوح مختلف سنی و تحصیلی قابل درک باشد. این پژوهش در پی آن است که با تحلیل روش آموزشی مالی بنگ، راهکارهای عملی برای بهبود آموزش مبانی هنرهای تجسمی در مدارس ایران ارائه دهد.

ادبیات تحقیق

مبانی نظری تصویرسازی در آموزش

تصویرسازی به عنوان هنر تجسم مفاهیم و ایده‌ها در قالب تصویر، تاریخچه‌ای کهن در آموزش دارد. از دیرباز، تصاویر به عنوان ابزاری کارآمد در تسهیل فرآیند یادگیری مورد استفاده قرار گرفته‌اند (ابراهیمی، ۱۳۶۷). در حوزه آموزش هنر، تصویرسازی می‌تواند پلی بین مفاهیم انتزاعی و درک عینی فراگیران ایجاد کند.

سواد بصری و اهمیت آن در آموزش

سواد بصری به مجموعه مهارت‌هایی اطلاق می‌شود که فرد را قادر می‌سازد تا تصاویر را به طور انتقادی تحلیل کرده، معنای آن‌ها را درک نموده و خود به تولید تصاویر معنادار بپردازد (کپس، ۱۳۶۸). در جهان معاصر، سواد بصری به اندازه سواد نوشتاری از اهمیت برخوردار است و نظام‌های آموزشی پیشرو، پرورش این مهارت را از اولویت‌های خود قرار داده‌اند.

رویکرد مالی بنگ در آموزش هنر

مالی بنگ در کتاب "این تصویر" رویکردی انقلابی در آموزش مبانی هنرهای تجسمی ارائه داده است. او با بهره‌گیری از فرم‌های ساده هندسی و تکنیک برش کاغذ، مفاهیم پایه‌ای چون ترکیب‌بندی، ریتم، تعادل و کنتراست را به گونه‌ای ملموس و قابل درک ارائه می‌دهد. (Bang, 1991) روش بنگ بر اساس این اصل استوار است که درک مفاهیم بصری از طریق تجربه مستقیم و دست‌ورزی با فرم‌های ساده، عمیق‌تر و پایدارتر صورت می‌پذیرد.

پیشینه پژوهشی داخلی

در زمینه استفاده از تصویرسازی در آموزش، پژوهش‌های متعددی در سطح داخلی انجام شده است. رضازاده (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقش آموزش خلاقیت در هنر تصویرسازی پرداخت و نشان داد که رویکردهای خلاقانه در تصویرسازی می‌تواند به رشد تفکر واگرا در دانش‌آموزان بینجامد. طالع و علی محمدی اردکان (۱۳۹۶) نیز در مطالعه‌ای به تحلیل تأثیر

مبانی روان‌شناسی در تصویرسازی کتاب‌های آموزشی کودکان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تصویرسازی مناسب می‌تواند در درک مفاهیم پیچیده به کودکان کمک شایانی نماید.

صراحی و فهیمی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان "تصویر، ایماژ، پی‌انگاره و ادراک بصری" به بررسی نقش تصویر در فرآیندهای ادراکی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که استفاده از تصاویر ساده و گویا می‌تواند درک مفاهیم انتزاعی را برای فراگیران تسهیل نماید. همچنین حسام پور و مصلح (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به مقایسه رابطه متن و تصویر در کتاب‌های داستانی تصویری پرداختند و اهمیت هماهنگی بین متن و تصویر را در فرآیند یادگیری مورد تأکید قرار دادند.

پیشینه پژوهشی خارجی

در سطح بین‌المللی، آرنهایم (۱۹۷۴) در کتاب "هنر و ادراک بصری" بر اهمیت درک بصری در فرآیندهای شناختی تأکید کرده است. به باور وی، درک بصری پایه و اساس تفکر خلاق است. ادواردز (۱۹۹۹) نیز در پژوهش‌های خود نشان داده است که استفاده از روش‌های تصویری می‌تواند به درک عمیق‌تر مفاهیم انتزاعی منجر شود.

پژوهش گانیه (۱۹۹۸) در زمینه ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی حاکی از آن است که استفاده از تصاویر مناسب و مرتبط با محتوای آموزشی، می‌تواند ماندگاری و نگهداشت یادگیری را تا ۴۰ درصد افزایش دهد. همچنین موناری (۲۰۰۱) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که طراحی و ارتباطات بصری اثربخش، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال مفاهیم آموزشی دارد.

مطالعه کاندینسکی (۲۰۲۱) درباره نقطه، خط و سطح نشان داد که استفاده از عناصر ساده بصری می‌تواند پایه‌ای محکم برای درک مفاهیم پیچیده‌تر هنری ایجاد کند. این یافته با رویکرد مالی بنگ در کتاب "این تصویر" همسو است.

روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی کیفی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه منابع مکتوب و دیجیتال در حوزه تصویرسازی، آموزش هنر و سواد بصری بوده است. نمونه مورد مطالعه، کتاب "این تصویر" اثر مالی بنگ به عنوان یک الگوی موفق در آموزش تصویری مفاهیم هنری انتخاب شد. روش گردآوری داده‌ها، مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی بوده است. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای استقرایی استفاده شده و مفاهیم اصلی از طریق بررسی عمیق متن و تصاویر کتاب استخراج گردید.

یافته‌های تحقیق

تحلیل روش آموزشی مالی بنگ

بررسی کتاب "این تصویر" نشان می‌دهد که مالی بنگ از رویکردی سیستماتیک و خلاقانه در آموزش مفاهیم بصری بهره برده است. مهم‌ترین ویژگی‌های این روش عبارتند از:

ساده‌سازی مفاهیم پیچیده: بنگ مفاهیم انتزاعی هنرهای تجسمی را به کمک فرم‌های ساده هندسی و تصاویر قابل درک ارائه می‌دهد. برای مثال، او با استفاده از یک مثلث ساده، مفاهیم متعددی از جمله تعادل، تنش و حرکت را به نمایش می‌گذارد.

تجربه‌گرایی: در روش بنگ، یادگیری از طریق تجربه مستقیم با مواد و فرم‌ها صورت می‌پذیرد. دانش‌آموزان با دست‌ورزی و ترکیب‌بندی فرم‌های ساده، به درکی عمیق از اصول بصری دست می‌یابند.

ارتباط مفهومی: بنگ با ایجاد ارتباط بین فرم‌های انتزاعی و تجربیات عینی دانش‌آموزان، یادگیری را معنادار می‌سازد. برای نمونه، او مثلث را هم به عنوان یک فرم هندسی صرف و هم به عنوان نمادی از کوه، بادبان یا تیر arrow مورد بررسی قرار می‌دهد.

تأثیر تصویرسازی بر درک مفاهیم بصری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از تصویرسازی در آموزش مبانی هنرهای تجسمی می‌تواند به موارد زیر بینجامد:

افزایش درک فضایی: دانش‌آموزان با تجسم مفاهیم انتزاعی در قالب تصاویر ملموس، درک بهتری از فضا و روابط بصری پیدا می‌کنند.

تقویت حافظه بصری: تصاویر به دلیل ملموس بودن، در حافظه بصری دانش‌آموزان ماندگارتر می‌مانند.

رشد خلاقیت: روش بنگ با آزاد گذاشتن دانش‌آموزان در ترکیب‌بندی و دست‌ورزی فرم‌ها، زمینه را برای بروز خلاقیت فراهم می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد تصویرسازی محور مالی بنگ می‌تواند الگویی اثربخش برای بازسازی روش‌های آموزش مبانی هنرهای تجسمی در ایران باشد. در حال حاضر، آموزش این مفاهیم در بسیاری از مدارس و مراکز آموزشی ایران، با تکیه بر روش‌های سنتی و کم‌بهره از تجربیات عینی و ملموس صورت می‌پذیرد که این امر به کاهش علاقه و تعامل دانش‌آموزان می‌انجامد.

روش بنگ با تبدیل مفاهیم انتزاعی به تجربیات ملموس، نه تنها درک این مفاهیم را تسهیل می‌کند، بلکه اشتیاق به یادگیری را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد. استفاده از فرم‌های ساده، تکنیک برش کاغذ و ایجاد ارتباط بین مفاهیم بصری و تجربیات روزمره، از جمله نقاط قوت این روش به شمار می‌روند.

برای بهره‌گیری از این روش در نظام آموزشی ایران، پیشنهاد می‌شود:

بازنگری در محتوای آموزشی: بازسازی محتوای درس مبانی هنرهای تجسمی با الهام از روش بنگ و با توجه به فرهنگ و زمینه بومی ایران.

آموزش معلمان: برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان هنر به منظور آشنایی با روش‌های خلاقانه آموزش مفاهیم بصری.

تأمین منابع آموزشی: تولید و انتشار کتاب‌ها و منابع کمک آموزشی که از تصویرسازی برای آموزش مفاهیم پایه هنر بهره می‌برند.

فضا و تجهیزات: تجهیز کارگاه‌های هنری به مواد و ابزار مناسب برای اجرای فعالیت‌های عملی براساس روش بنگ.

در پایان، باید تأکید کرد که توجه به سواد بصری و آموزش خلاقانه هنر، نه تنها به پرورش هنرمندان آینده می‌انجامد، بلکه به رشد شهروندانی بینا، خلاق و نقاد کمک می‌کند که می‌توانند در جهان پیچیده تصویری امروز، به طور فعالانه ایفای نقش کنند.

منابع

۱. ابراهیمی، ن. (۱۳۶۷). مقدمه‌ای بر مصورسازی کتاب کودکان. تهران: انتشارات آگاه.
۲. حسام پور، س. و مصلح، م. (۱۳۹۴). مقایسه رابطه متن و تصویر در کتاب‌های داستانی تصویری برگزیده ایرانی و اروپایی-آمریکایی معاصر. مجله نقد کتاب هنر، ۹.
۳. دونیس، ا. (۱۳۶۸). مبادی سواد بصری. (م. سپهر، مترجم). تهران: انتشارات سروش.
۴. رضازاده، ه. (۱۳۹۶). آموزش خلاقیت در هنر تصویرسازی. مجله رشد آموزش هنر، ۵۰.
۵. صراحی، ع. و فهیمی، ا. (۱۳۹۷). تصویر، ایماژ، پی‌انگاره و ادراک بصری. نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۷۴.
۶. طالع، س. و علی محمدی اردکان، ج. (۱۳۹۶). تحلیل تأثیر مبانی روان‌شناسی در تصویرسازی کتاب‌های آموزشی کودکان. نشریه هنرهای زیبای هنرهای تجسمی، ۲۲(۱).
۷. کیس، ج. (۱۳۶۸). زبان تصویر. (ف. مهاجر، مترجم). تهران: انتشارات سروش.
8. Arnheim, R. (1974). Art and visual perception: A psychology of the creative eye. University of California Press.
9. Bang, M. (2000). Picture this: Perception & composition. Little, Brown and Company.
10. Edwards, B. (1999). The new drawing on the right side of the brain. Jeremy P. Tarcher/Putnam.
11. Gagné, R. M. (1998). The conditions of learning and theory of instruction. Holt, Rinehart and Winston.
12. Kandinsky, W. (2012). Point and line to plane. Dover Publications.
13. Munari, B. (2001). Design as art. Penguin Books.